

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٤٩٥٧٧



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

نقش نظام سیاسی در توسعه: مورد چین از سال ۱۹۸۰ تا کنون

نگارش:

خداداد شریفی

استاد راهنما:

دکتر احمد موثقی

استاد مشاور:

۱۳۸۹/۹/۱۴

دکتر حسین سیف زاده

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

کتابخانه مرکزی  
تاسیس ۱۳۸۹

در رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه

شهریور ۱۳۸۹

۱۴۶۵۷۷



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی علوم سیاسی  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: خداداد شریفی

گرایش:

در رشته : علوم سیاسی

با عنوان : نقش نظام سیاسی در توسعه : مورد چین از سال ۱۹۸۰ تاکنون

را در تاریخ : ۸۹/۰۷/۱۱

به عدد	به حروف
۱۸/۵	هجده و پنج

با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

عالی

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم ( حسب مورد ):	دکتر سید احمد موثقی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر حسین سیف زاده	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور ( یا استاد مشاور دوم )	دکتر شهربانو علیدادی	استادیار	مدعو دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر عبدالرحمن عالم	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .



جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ \_\_\_\_\_  
پیوست \_\_\_\_\_

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب *دکتر سید علی میرزا...* متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف ( در هر زمان ) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .  
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء

*[Handwritten signature]*

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ - کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

این اثر ناقابل را با تمام  
وجود به پدر و مادر عزیزم  
تقدیم می کنم هر چند در  
برابر دریای لطف آنان قطره  
ای بیش نیست.

## چکیده

این پژوهش از منظر تئوریک رابطه بین دولت و توسعه را واکاوی می‌کند و از منظر عملی به بررسی نقش نظام سیاسی چین در توسعه این کشور می‌پردازد. در این تحقیق نظام سیاسی کشور چین عامل اصلی توسعه این کشور می‌باشد. برای بررسی این موضوع تاریخ توسعه کشور چین را به سه دوره مائو، اصلاحات و بعد از اصلاحات تقسیم کرده ایم. و در هر دوره به بررسی تحولات و اقدامات نخبگان سیاسی آن دوره و تاثیر آن بر توسعه کشور چین می‌پردازیم. در این تحقیق دوران مائو به عنوان دوران پیش از اصلاحات و زمینه ساز توسعه این کشور در نظر گرفته شده است. و نخبگان چین در دوران اصلاحات با توجه به کارهای زیر بنایی دوران مائو و رهبری دنگ شیائو پینگ موفق به پیش بردن چین به سمت توسعه و نوسازی شده اند. یکی دیگر از مفروضات اصلی این تحقیق نقش نخبگان دوران اصلاحات به رهبری دنگ در توسعه چین می‌باشد، در این تحقیق به بررسی اقدامات این نخبگان در رفع عوامل غیر توسعه ای در چین و پیش بردن امر توسعه این کشور می‌پردازیم.

کلید واژه

نظام سیاسی، سیاست، توسعه، دولت، حکمرانی خوب

۸	مقدمه
۹	اهداف پژوهش
۱۰	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۱	نتیجه و کاربرد پژوهش
۱۱	سوابق و پیشینه (ادبیات موضوع)
۱۲	چارچوب نظری
۱۳	مفروضات
۱۳	سوالات
۱۴	اصلی
۱۴	فرعی
۱۴	فرضیات
۱۴	اصلی
۱۵	رقیب
۱۵	تعاریف مفاهیم اساسی پژوهش
۱۶	متغیرها:
۱۷	فصل اول
۱۸	گفتار اول
۱۸	مقدمه
۲۰	۱-۱-۲ دیدگاه های اولیه در مورد توسعه
۲۱	۲-۱-۲ توسعه به معنای رشد
۲۲	۳-۱-۲ مکتب نوسازی
۲۴	۱-۳-۱-۲ انتقادات وارده بر مکتب نوسازی
۲۵	۲-۱-۲ دیدگاه های امروزی در مورد توسعه
۲۶	۱-۲-۱-۲ توسعه اجتماعی
۲۷	۲-۲-۲-۲ توسعه پایدار
۲۹	۳-۲-۲-۲ توسعه به مثابه آزادی
۳۲	گفتار دوم
۳۴	۱-۲-۲ انواع دولت
۳۶	۱-۱-۲-۲ دیدگاه اول: سوسیالیسم
۳۶	۲-۱-۲-۲ دیدگاه دوم: لیبرالیسم
۳۷	۲-۲-۲ بازگشت به نقش دولت در توسعه

۳۸	..... ۳-۲-۲ دولت و توسعه اقتصادی و اجتماعی
۳۸	..... ۱-۳-۲-۳ نهادگرایی و نقش دولت در توسعه
۴۰	..... ۴-۲-۳ بررسی تئوری های موجود
۴۱	..... ۱-۴-۲-۳ حکمرانی خوب
۴۱	..... ۱-۱-۴-۲-۳ شاخص های حکمرانی خوب
۴۳	..... ۲-۱-۴-۲-۳ نقش دولت در حکمرانی خوب
۴۷	..... ۲-۴-۲-۲ دولت توسعه گرا
۴۹	..... ۱-۲-۴-۲-۲ دیدگاه چالمرز جانسون
۴۹	..... ۲-۲-۴-۲-۲ پیتر ایوانز
۵۱	..... ۳-۲-۴-۲-۲ لغت ویچ
۵۲	..... جمع بندی
۵۴	..... فصل دوم
۵۴	..... گفتار اول
۵۵	..... ۱-۱-۳ مقدمه
۵۷	..... ۲-۱-۳ اوضاع سیاسی چین قبل از انقلاب ۱۹۴۹
۵۷	..... ۱-۲-۱-۳ فروپاشی ساختار سیاسی، اجتماعی چین
۵۹	..... ۳-۱-۳ اوضاع سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب ۱۹۴۹
۶۰	..... ۱-۳-۱-۳ بازسازی جبهه متحد ۱۹۵۶ - ۱۹۴۹
۶۱	..... ۲-۳-۱-۳ جنبش صد گل
۶۲	..... ۳-۳-۱-۳ سالهای انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶ - ۱۹۷۶)
۶۲	..... ۱-۳-۳-۱-۳ جنبش آموزش سوسیالیستی
۶۳	..... ۲-۳-۳-۱-۳ انقلاب فرهنگی دوره اول (۱۹۶۶ - ۱۹۷۱)
۶۴	..... ۳-۳-۳-۱-۳ دوره دوم بازسازی نظام حزب - دولت (۱۹۷۵ - ۱۹۷۲)
۶۵	..... ۴-۱-۳ پایان دوران مائو و کشمکش بر سر جانشینی ۱۹۷۶
۶۷	..... گفتار دوم
۶۸	..... مقدمه
۶۸	..... ۲-۲-۳ پارادایم مائویستی
۶۸	..... ۱-۲-۳ میراث نظری
۶۹	..... ۱-۱-۲-۳ تجارب حزب کمونیست در بسیج توده ی و مدیریت محلی سوسیالیستی
۶۹	..... ۲-۱-۲-۳ تلخیصی از پارادایم مائویستی
۷۱	..... ۲-۲-۳ میراث اقتصادی
۷۱	..... ۱-۲-۲-۳ کشاورزی
۷۲	..... ۲-۲-۳ نوسازی اقتصادی و سرمایه گذاری خارجی در قبل از انقلاب ۱۹۴۹
۷۳	..... ۳-۲-۳ منابع توسعه
۷۴	..... ۴-۲-۳ برنامه های توسعه ای مائو قبل از انقلاب فرهنگی



۷۵	اصلاحات ارضی ۱-۴-۲-۳
۷۶	تعاونی های روستایی ۲-۴-۲-۳
۷۷	الگوی شوروی استراتژی چین برای پیشرفت: مرحله اول ۱۹۵۲ - ۱۹۵۷
۷۹	استراتژی جهش بزرگ ۱۹۶۰ - ۱۹۵۸
۸۱	برنامه ترمیم ۱۹۶۱ - ۱۹۶۶
۸۱	برنامه های بعد از انقلاب فرهنگی ۵-۲-۳
۸۱	برنامه سوم ۱۹۷۰ - ۱۹۶۶
۸۲	برنامه چهارم توسعه ۱۹۷۵ - ۱۹۷۱
۸۲	تحلیلی بر توسعه چین دوران مائو ۶-۲-۳
۸۴	صنعت ۱-۶-۲-۳
۸۴	کشاورزی ۲-۶-۲-۳
۸۶	توسعه انسانی ۳-۶-۲-۳
۸۹	تجارت خارجی ۴-۶-۲-۳
۹۰	جمع بندی
۹۲	فصل سوم
۹۲	گفتار اول
۹۳	مقدمه
۹۳	۱- آغاز دنگ پایان خواگوفنگ (۸۱-۱۹۷۸)
۹۴	حکومت سه نفری ۸۶-۱۹۸۱ (دنگ شیائپنگ-خویائوبانگ-زائوزیانگ)
۹۵	۴-۱-۴ حذف خویائوبانگ ۱۹۸۷
۹۵	۵-۱-۴ تیان آن من ۱۹۸۹
۹۶	۶-۱-۴ ریاست جمهوری جیانگ زمین ۱۹۹۲
۹۸	گفتار دوم
۹۹	۱-۲-۴ مقدمه
۹۹	۲-۲-۴ پارادایم دنگیزم
۱۰۰	۱-۲-۲-۴ میراث نظری
۱۰۰	۱-۱-۲-۲-۴ پاراگماتیسیم
۱۰۱	۲-۱-۲-۲-۴ سوسیالیسم با ویژگی های چینی
۱۰۳	۳-۲-۲-۴ شکل گیری پارادایم دنگیزم
۱۰۳	۴-۲-۲-۴ تلخیصی از پارادایم دنگیزم
۱۰۴	۳-۲-۴ اصلاحات سیاسی
۱۰۹	۴-۲-۴ اصلاحات اقتصادی
۱۱۱	۱-۴-۲-۴ مرحله ی اول توسعه ی اقتصادی ۸۴ - ۱۹۷۸
۱۱۲	۲-۴-۲-۴ مرحله دوم (۱۹۸۸ - ۱۹۸۴)
۱۱۲	۳-۴-۲-۴ مرحله سوم ۱۹۹۱ - ۱۹۸۸

۱۱۲	مرحله چهارم ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶	۴-۴-۲-۴
۱۱۳	سیاست های کلان	۵-۲-۴
۱۱۳	کشاورزی	۱-۵-۲-۴
۱۱۴	نظام مسئولیت خانواده	۱-۱-۵-۲-۴
۱۱۵	اصلاحات قیمت گذاری	۲-۱-۵-۲-۴
۱۱۶	اصلاحات بخش صنایع	۲-۵-۲-۴
۱۱۸	اصلاحات در بنگاه های دولتی	۱-۲-۵-۲-۴
۱۱۹	اصلاحات مالی	۳-۵-۲-۴
۱۲۰	سیاست درهای باز	۶-۲-۴
۱۲۱	تمرکز زدایی در تجارت خارجی	۱-۶-۲-۴
۱۲۲	سیاست جلب سرمایه خارجی	۲-۶-۲-۴
۱۲۳	مناطق ویژه اقتصادی	۳-۶-۲-۴
۱۲۴	تحلیلی بر توسعه چین در دوره اصلاحات (دنگ شیائو پینگ)	۷-۲-۴
۱۲۵	اصلاحات اقتصادی	۱-۷-۲-۴
۱۲۷	توسعه انسانی	۱-۱-۷-۲-۴
۱۳۰	اصلاحات سیاسی	۲-۷-۲-۴
۱۳۱	جمع بندی	
۱۳۳	فصل چهارم	
۱۳۳	گفتار اول	
۱۳۳	تحلیل اوضاع سیاسی	
۱۳۴	مقدمه	
۱۳۴	۱-۱-۵ جیانگ زمین	
۱۳۴	۲-۱-۱-۵ اصلاحات سیاسی	
۱۳۵	۴-۱-۱-۵ تئوری سه نماینده	
۱۳۷	۴-۱-۱-۵ خصوصی سازی	
۱۳۷	۵-۱-۱-۵ سیاست خارجی	
۱۳۸	۲-۱-۵ دبیر کلی هو جین تائو و نخست وزیر یون جیابائو	
۱۳۸	۱-۲-۱-۵ اقتدار گرایی پوپولیستی	
۱۳۹	۲-۲-۱-۵ سیاست خارجی	
۱۴۱	۳-۲-۱-۵ اصلاحات سیاسی	
۱۴۳	گفتار دوم	
۱۴۴	۱-۲-۵ استراتژی رهبران بعد از اصلاحات: سوسیالیسم یا سرمایه داری؟	
۱۴۴	۱-۱-۲-۵ گذار به سرمایه داری	
۱۴۵	۲-۱-۲-۵ کم رنگ شدن دیدگاه سوسیالیزم بازار	
۱۴۷	۲-۲-۵ سیاست اقتصاد کلان	

۱۵۰	..... برنامه های ۵ ساله توسعه
۱۵۱	..... برآورد میزان توسعه چین از ۱۹۹۶-۲۰۰۷
۱۵۴	..... نرخ رشد
۱۵۵	..... توسعه انسانی
۱۵۸	..... نابرابری
۱۶۰	..... چالش های پیش روی نظام سیاسی چین
۱۶۰	..... چالش های اقتصادی
۱۶۰	..... ضعف کمپانی های چینی
۱۶۲	..... توسعه ناموزون کشور
۱۶۳	..... عدم اشتغال گسترده
۱۶۳	..... تورم
۱۶۴	..... بحران مالی
۱۶۷	..... چالش های سیاسی
۱۷۰	..... پرستیژ بین المللی
۱۷۱	..... آینده اقتصاد چین
۱۷۳	..... جمع بندی فصل پنجم
۱۷۴	..... نتیجه گیری
۱۸۳	..... کتاب نامه

## فهرست جداول

۴۴	..... جدول ۲-۱۱ سیر تغییر رویکرد در اداره امور عمومی و نقش دولت
۵۶	..... جدول ۲-۱۱ آمار جمعیتی نژادهای اصلی در سال ۲۰۰۶ و درصد آنها
۷۵	..... جدول ۲-۱۲ تقسیم زمین قبل از انقلاب ۱۹۴۹
۷۷	..... جدول ۲-۲۲ مقایسه میزان سرمایه گذاری در چین و شوروی
۸۴	..... جدول ۲-۳۲ میزان تولیدات صنعتی چین
۸۵	..... جدول ۲-۴۲ میزان تولیدات کشاورزی چین
۸۹	..... جدول ۲-۵۲ امید به زندگی مردم چین در دوران مائو
۱۱۶	..... جدول ۳-۱۲ میزان تولید محصولات اساسی کشاورزی

جدول ۲-۳ درصد رشد انواع بنگاه ها در چین طی دوره اصلاحات	۱۱۸
جدول ۳-۳ سهم شرکت های چینی در صادرات	۱۲۱
جدول ۴-۳ میزان رشد تولیدات ناخالص ملی ۱۹۵۲ - ۱۹۹۵	۱۲۵
جدول ۵-۳ نرخ رشد سرانه درمان برای مناطق شهری و روستایی	۱۲۷
جدول ۶-۳ برآورد تعداد روستاییان فقیر	۱۲۹
جدول ۷-۳ مقایسه درآمد روستاییان در دوره اصلاحات و پیش از آن	۱۳۰
جدول ۱-۴ مقایسه برنامه های هشتم، نهم و دهم چین در زمینه رشد صنایع و نرخ رشد روستایی	۱۵۰
جدول ۲-۴ رشد و سرانه چین از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۷	۱۵۵
جدول ۳-۴ میزان رشد دانش آموختگان چینی در دو رده بالاتر از راهنمایی و دانشگاه	۱۵۷
جدول ۴-۴ سطح توسعه انسانی در چین و هند	۱۵۸

## فهرست نمودارها

نمودار ۲-۴ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی چین ۲۰۰۸ - ۱۹۹۶	۱۴۸
نمودار ۲-۴ میزان امید به زندگی	۱۵۶
نمودار ۳-۴ سهم صادرات در تولید ناخالص داخلی چین	۱۶۵
نمودار ۴-۴ میزان هزینه طرح محرک اقتصاد در بخش های مختلف	۱۶۶
نمودار ۵-۴ درصد رضایت مردم چین از حکومت	۱۶۷

## مقدمه

همانطور که از موضوع استنباط می شود ما در این تحقیق به بررسی نقش نظام های سیاسی در توسعه می پردازیم پس از آن مورد چین را بررسی خواهیم کرد. ما به دولت های می پردازیم که آنها را دولت های توسعه گرا می نامند. دولت های که اهداف سیاسی وساختار سازمانی اشان به خصوص بوروکراسی آنها بسوی توسعه جهت گیری شده است، در حالی که اهداف توسعه ای اشان به طور سیاسی جهت گیری شده است این گونه دولت ها عوامل اساسا سیاسی، همانند فوریت ها و نیروی محرکه مربوط به توسعه را از خلال ساختارهای دولت شکل داده اند. این عوامل سیاسی معمولا شامل ناسیونالیسم، ایدئولوژی، و آرزوی رقابت با کشورهای پیشرفته بوده است. اما عموما یک پیوند آغازین مستحکم میان توسعه، توان و قدرت نظامی و استقلال دولت توسعه گرا وجود داشته است. این پیوند تا حد زیادی پیامد نیاز آنها به پاسخ دادن به نیاز منطقه ای و تهدید خارجی بوده است.

یکی از این رژیم ها که ما آن را توسعه گرا می نامیم و شاید هم در راس آنها قرار دارد دولت توسعه گرا در چین می باشد در این تحقق به بررسی انقلاب این کشور در سال ۱۹۴۹، به رهبری مائو می پردازیم. مائو در ۲۵ سال به صورت خارق العاده ای رشد اقتصادی سریع چین را هدایت و رهبری نمود به عقیده بسیاری از کارشناسان رشد موفقیت آمیز اقتصادی چین در دوران دنگ و پس از وی در سیاست ها و برنامه های زیر ساختی مائو است. با در نظر گرفتن کندی رشد کشاورزی در دوران مائو و ناتوانی در ایجاد یک مدل موفق از توسعه اقتصادی و جدای از برخی فجایع انسانی در دوره او، در کل با توجه به نبودن زیر ساخت های داخلی و فشار بین المللی شدیدی که به چین وارد می شد بسیار موفقیت آمیز بود کار عظیم او این بود که با توجه به برنامه های بزرگ اقتصادی در دوران او بعد از پایان دوره کشور با هیچ گونه بدهکاری خارجی مواجه نبود چیزی که برای شرکت های خارجی برای سرمایه گذاری در یک کشور از اهمیت بالای برخوردار است.

مسئله بعدی که به آن می پردازیم اصلاحات اقتصادی و سیاسی دهه هشتاد در چین است این اصلاحات بهبود قابل توجهی در اقتصاد، سیاست خارجی و بالاتر از آن در سطح زندگی روزمره مردم پدید آورد چینی ها

و در راس آنان رهبر چین نو دنگ شیائو پینگ با سیاست و اندیشه درهای باز که آن را نمونه ای از سوسیالیسم چینی می دانند توانستند کشور را به سمت برقراری ارتباط با دیگر کشورها رهنمون کنند. با مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ دکتورین مهم دنگ شیائو پینگ، رهبر جدید جمهوری خلق چین، مبتنی بر جستجوی حقیقت از طریق واقعیت مطرح شد. بنابراین با برگزاری یازدهمین کنگره حزب کمونیست در دسامبر ۱۹۷۸، بحث اصلاحات اقتصادی در دستور کار قرار گرفت. این اصلاحات ابتدا از بخش کشاورزی و سپس تجارت خارجی آغاز شد و به تدریج به صنایع کشیده شد. این دوران زمانی است که چین توانست نردبان رشد و توسعه اقتصادی را به سرعت به پیماید و تجربه ای بدیع در گذار به دوره توسعه اقتصادی ارائه نماید.

سپس به بررسی عوامل سیاسی که کادر رهبری حاکم بر چین مخصوصاً دنگ شیائو پینگ از آنها استفاده کردند می پردازیم. جذب قربانیان حاصل از انقلاب فرهنگی در راس آنان روشنفکران و دانشجویان بودند که آنان را به داخل حزب کشاندند تا هم آنان را مقید به اصول و سازمانی حزب سازد و هم تخصص و نیروی جوان آنها را به کار گیرد با این کار بخش حساسی از نیروی فشار برای تغییر سیاسی را در کشور خنثی ساخت. از سوی دیگر عواملی همانند یکدستی جمعیت کشور که امروزه تبدیل به یک بحران برای کشورهای در حال رشد جهان شده است در چین به صورت یک نعمت برای کادر رهبری این کشور در آمده است. از دیگر سو، تقریباً تمام فرهنگ چین متشکل از آموزه‌های کنفوسیوسی است. فرهنگ کنفوسیوسی در مقام بستر عمل سیاسی و نظامی، ارزشی که برنامه های سیاسی در نزد خود چینی ها از طریق آن ارزیابی می شود، بخش لازم هر تصویری از فلسفه سیاسی حاکم بر چین می باشد. در قالب فرهنگ کنفوسیوسی مفاهیمی از جمله فرمانبرداری از حاکم، انضباط شخصی، صبر، قناعت و نوعی درونگرایی غیر صوفیانه به منظور تحصیل اهداف مادی مراد می شود.

### اهداف پژوهش

از بیان مسئله می شود به طور ضمنی هدف پژوهش حاضر را دریافت. به علاوه امروزه بسیاری از کشورها، در جهان در حال توسعه، فشاری طاقت فرسا را متحمل شدند. به طوری که در این دوره رشد این کشورها بسیار کند بوده است. این بدان معنا است که مردم این کشورها به رغم سخن پردازی های غیر واقعی در مورد توسعه

نسبت به سی سال پیش فقیرتر شده اند، و تعداد بسیار بیشتری به آستانه فقر مطلق نزدیک شدند، به گونه ای که نابرابری با مقیاس توزیع درآمد باور نکردنی شده است. همزمان اشکال فراگیر و برخی اوقات چشمگیر فساد، اموری عادی به حساب می آید، به این مجموعه بروز جنگ‌های وحشیانه داخلی و قومی، کودتاهای نظامی در سراسر جهان در حال توسعه را بیفزاییم.

بی شک چنین تصویری تیره و سیاه است، با این همه باید به خاطر سپرده شود که این تنها تصویر ممکن از کشورهای جهان سوم نیست برخی کشورهای جهان سوم نیز در سه دهه آخر قرن بیستم به رشد چشمگیری رسیدند و توانستند این رشد را حفظ کنند بنابراین همانطور که شکست‌های فراگیر در مسیر توسعه نیازمند توضیح‌اند بررسی موفقیت‌های این مسیر نه تنها ضروری به نظر می رسد بلکه دارای ضرورت بیشتری است.

### اهمیت و ضرورت پژوهش

این پژوهش با تلاشی که در جهت بازبینی نقش نظام سیاسی در فرایند توسعه به عمل می‌آورد. و نظر به اینکه معیار تعریف توسعه را پاسخ به نیازهای اساسی انسان در نظر می‌گیرد. به این سو حرکت می‌کند که توسعه با استراتژی‌های باز توزیع همراه با رشد نتیجه بخش خواهد بود. در این معنا به طور ضمنی تاکید می‌شود که توسعه به مثابه باز توزیع یا برآورده ساختن نیازهای اساسی انسان نیازمند اقدام اساسی از سوی نظام سیاسی است. بنابراین این امر گواهی بر ناتوانی بازار در توزیع مزایای حاصل از رشد، یا برآورده ساختن نیازهای اساسی انسان، حداقل در کوتاه مدت است.

بنابراین همچنان که از دهه ۷۰ به سوی ۸۰ همواره نقش دولت در توسعه در معرض حملات سهمگین قرار گرفت. آنچنان که لیبرالیسم نو در امور اقتصادی سیاسی در کشورهای غربی از این رو در نهادهای بین‌المللی تفوق یافت. این دوران، دوره باز پس‌گیری اختیارات دولت و مجال دادن به عمل آزاد بخش خصوصی برای رها سازی انرژی عظیم خود بود بنابراین یکبار دیگر توسعه به مثابه رشد در نظر گرفته شد. اما در دهه ۹۰ بار دیگر توجه به دولت در اولویت قرار گرفت و تاکید بر اهمیت آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی نه تنها به عنوان یک تاملین‌کننده مستقیم لوازم رشد بلکه به مثابه یک عامل شتاب دهنده برای تحقق توسعه پایدار است. در صورتی که بخش خصوصی را محدود نکند.

### نتیجه و کاربرد پژوهش

در نتیجه گیری پژوهش می توان گفت که امروزه هم تعریف توسعه تغییر کرده است و هم تلقی از نقش دولت در توسعه بنابراین دیگر نمی توان توسعه را به معنای پیشرفت تاریخی یعنی تکامل انسان در تاریخ و یا به عنوان یک وضعیت ایستا در نظر گرفت که کشورها با طی کردن مراحل به آن می رسند، همانند مراحل که روستو مشخص کرده بود.

امروزه نظام سیاسی کشورها نیز نه تنها به عنوان محل توسعه در نظر گرفته نمی شود بلکه یک عامل شتاب دهنده نیز محسوب می شود. نظام سیاسی کشور با بازتوزیع منافع حاصل از رشد می تواند باعث فقر زدایی و بنابراین پیشرفت سریع تر کشور به سمت توسعه شود. همانطور که مورد چین با سرمایه گذاری بر روی آموزش و توسعه روستاها در عمل این امر را ثابت کرده است.

کاربرد این پژوهش نیز می تواند به این صورت بیان شود که با تمرکز بر روی هیئت سیاسی و سیاست های که نظام سیاسی کشورهای مختلف به ویژه در این تحقیق کشور چین، می توان مواردی را یافت که به صورت گسترده می توان در کشورهای دیگر نیز مورد استفاده قرار داد. بنابراین پیدا کردن نقاط ضعف و قوت کشور در فرایند توسعه و اصلاح آنان با توجه به تجربیات کشورهای دیگر.

### سوابق و پیشینه (ادبیات موضوع)

در ارتباط با این موضوع منابع به صورت مستقیم وجود ندارد در منابع فارسی برای توسعه چین منابع زیر قابل اشاره می باشد:

#### چین نو (شاهنده، بهزاد)

رویکرد اصلی شاهنده در کتاب چین نو نقش برجسته دنگ شیائو پینگ رهبر اصلاح طلب چین در روند توسعه این کشور می باشد. نویسنده این کتاب به بررسی سیاست های مائو در زمینه تاریخی و بررسی اقدامات او در



دوران حکومتش بر چین می پردازد در ادامه او اعتقاد دارد که دنگ پراگماتیسمی بوده است که با اقدامات عملی خود چین را به سوی توسعه هدایت کرده است. در ادامه کتاب بررسی اقدامات اقتصادی دوران مائو و دنگ در دهه ۸۰ و ۹۰ می باشد دکتر شاهنده این فصل به صورت خلاصه سیاست های اقتصادی و نتایج آن را در هر دو دوره بررسی کرده است. در کل کتاب چین نو اگر چه در زمینه مطالعه سیاست های مربوط به دوران مائو و دنگ بسیار مفید می باشد اما رویکرد این کتاب به صورت بحث توصیفی می باشد و تا حدودی نقش دنگ در توسعه را به صورت احساسی و جانبدارانه بیان می کند و رویکرد دیگر این کتاب با توجه به تخصص ایشان در زمینه روابط بین المللی می باشد.

### الگوی توسعه اقتصادی چین (معصومی فر، احمد).

نویسنده در این کتاب به بررسی روند گذار اقتصاد چین از اقتصاد متمرکز به اقتصاد مبتنی بر بازار می پردازد، و توسعه این کشور را مدیون این گذار می داند. نویسنده بدون بررسی علت این گذار تنها بحث را در یک روند توصیفی ادامه می دهد و به دادن آمار و ارقام بسنده می کند. این کتاب ضعف های علمی بسیاری دارد، به عنوان مثال نویسنده کتاب منابع مورد استفاده خود را به طور کامل در کتاب نیاورده و در بسیاری از موارد هیچ گونه اشاره ای به منبع مورد استفاده خود نمی کند. این کتاب به طور کلی کپی برداری شده از مقاله: گذار به اقتصاد مبتنی بر بازار به قلم عزیز الرحمن می باشد.

### چارچوب نظری

رهیافت استفاده شده در این تحقیق رهیافت نهادگرایی جدید می باشد نهادگرایی جدید با تلاش های مارش و السون برای ایجاد یا حفظ قرائت مورد نظرشان از علم سیاست آغاز می شود. آنها بر این باور بودند که این رهیافت ترجیحی برای علوم سیاسی است که با حملات روان شناسی اجتماعی و اقتصاد به مسائل سیاسی تهدید می شود. هر دو این جایگزین ها بر نقش فرد در انتخاب سیاسی تأکید می کردند و تمایل داشتند که به طور گسترده ای فرد را به عنوان یک بازیگر مستقل عقلانی سازند. برداشت یا تصور نهادگرایی جدید از ساختار همانند سازه انگاری ماهیت بین الاذهانی ساختار و بنابراین نقش کارگزاران در ساختن بسترهایی که رفتار آنان

در چارچوب آن شکل می گیرند و معنا می یابد را مورد توجه قرار می دهد. هر چند در نهادگرایی هم، ساختارهایی که اینگونه شکل می گیرند دارای ارزش و اهمیت تبیینی تلقی می شوند.

در این تحقیق نیز ما همانند بسیاری از تحلیل گران که برای مطالعه توسعه صورت گرفته در کشور چین به دلیل نوع خاص توسعه این کشور به رویه ساختار دولت و راهبرد توسعه در مطالعات خود روی آورده اند عمل کرده ایم، در این راهبرد به مطالعه شرایطی که اجازه می دهد دولت نقش مثبتی در فرایند توسعه ایفا کند پرداخته می شود و در عین حال به مطالعات در سطح فرد برای نشان دادن نقش انسان، یا همان نخبگان توسعه گرا و اقدامات آنها و همچنین تاثیر مثبت این اقدامات در فرایند توسعه اقتصادی این کشور می پردازیم. به این ترتیب ما در هر دوره به بررسی اوضاع سیاسی آن دوره و اقداماتی که نخبگان آن دوره در جهت دستیابی به توسعه در کشور انجام داده اند می پردازیم. البته باید به این نکته هم تاکید شود که جهت گیری نهاد های نظام سیاسی چین بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۴۹ حتی در زمان حاکمیت مائو با تسلط ایدئولوژی بر جامعه و نهادهای حکومتی، نیز به سمت توسعه جهت گیری شده بود.

### مفروضات

- سیاست و عملکرد نظام های سیاسی مهم ترین عامل در جهت رسیدن به توسعه است.
- نظام سیاسی چین عامل رفع عوامل غیر توسعه ی در این کشور است.
- اقدامات انجام شده در دوران مائو با فراهم کردن زیرساخت های کشور مهم ترین گام را در روند توسعه این کشور برداشته است.
- نخبگان چین با فراهم کردن شرایط مساعد در کشور از ۱۹۸۰ به بعد باعث سریع شدن پروسه توسعه چین شدند.
- نظام سیاسی چین بعد از دوران اصلاحات نیز با در پیش گرفتن رویه ی یک دولت توسعه گرا باعث توسعه بیشتر چین شده است.

### سوالات

## اصلی

- نظام سیاسی چین چگونه در فرآیند توسعه این کشور نقش آفرینی کرده است؟

## فرعی

- بعد از جنگ جهانی دوم و با وقوع بحران های بین المللی چه تغییراتی در مفهوم توسعه و نقش دولت در آن ایجاد شده است؟

- وقوع انقلاب چین و سیاست های اعمالی آن (در دوران مائو) در زمینه خود کفایی کشور چه تاثیری در توسعه آتی چین ایفا کرد؟

- سیاست های نظام سیاسی چین بعد از سال ۱۹۸۰ به چه صورت باعث توسعه این کشور در طی دو دهه شده است؟

- نظام سیاسی چین بعد از دوران اصلاحات از سال ۱۹۹۶، چه استراتژی در جهت دست یافتن چین به توسعه انجام داده است؟

## فرضیات

## اصلی

نظام سیاسی چین جزو نظام های توسعه گرا می باشد که در طول چند دهه با اتخاذ سیاست های توسعه ی اصلاحات اقتصادی؛ بازکردن بازارها بر روی سرمایه گزاران و همچنین ایدئولوژی زدایی باعث گام برداشتن چین به سمت رشد و توسعه شده است

## رقیب

دولت‌ها با در دست گرفتن امکانات کشور باعث اخلال در روند توسعه می‌شوند و نمی‌گذارند انرژی عظیم بخش خصوصی به صورت خودجوش آزاد شود و باعث تنظیم بازار شود.

## تعاریف مفاهیم اساسی پژوهش

**نظام سیاسی:** به نظامی از کنش و واکنش می‌گویند که در جامعه‌ای مستقل از طریق به کارگیری، یا تهدید به استفاده کم و زیاد اجبار مشروع جسمانی، کار ویژه‌های یکپارچه شدن و انطباق را به اجرا می‌گذارد.

**توسعه:** به معنای فرآیندی که در آن به نیازهای اساسی انسان شامل نیاز به استقلال فردی، خوداتکایی، آزادی و امنیت سیاسی، مشارکت در تصمیم‌گیری، هویت ملی و فرهنگی و احساس هدفمندی در زندگی پاسخ داده می‌شود.

**سیاست:** همه فعالیت‌های آگاهانه‌ای که برای سرو سامان دادن یا حل اختلافات به کار می‌روند، اعم از تضاد، همکاری و مذکره، که مستلزم بکارگیری، تولید و توزیع منابع عینی یا انتزاعی، در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی و در حوزه خصوصی یا عمومی می‌باشد را سیاست می‌نامند.